

جایگاه و نقش ولایت مطلقه فقیه در نظام اقتصادی اسلام: ارایه مدلی نو برای استقلال بانک مرکزی

نورالله صالحی^۱

چکیده

تاریخ بشری برنامه‌های اقتصادی مختلفی را برای بهبود معیشت خود آزموده است، دانشمندان و نظریه پردازان اقتصادی در طول تاریخ به بیان این برنامه‌ها پرداخته‌اند. نظام‌های اقتصادی کاپیتالیسم و سوسیالیسم از جمله برنامه‌هایی بوده که نظریه پردازان بیان کرده‌اند. این نظام‌ها محکوم به شکست می‌باشند و نظام اقتصادی برتر که معیشت را به بهترین وجه ممکن می‌سازد نظام اقتصادی اسلام است. پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران در بهمن ماه سال ۱۳۵۷ و اعلام نظام «جمهوری اسلامی» بر اساس تئوری «ولایت فقیه» از سوی رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی قدس سره، به لحاظ نا شناخته بودن ابعاد و زوایای آن و نیز همسو و هماهنگ نبودن با اهداف استعماری استکبار جهانی، از آغاز با چالش‌ها، مناقشات و برخوردهای چندگانه‌ای از سوی موافقان و مخالفان داخلی و خارجی مواجه شده است. بنابراین، نظریه ولایت فقیه تنها برخاسته از تفکر امام خمینی و برخی فقهای معاصر نظیر ملا احمد نراقی و مانند آنان نیست، بلکه از متن اسلام و قرآن برخاسته و در اسلام و تشیع پیشینه دیرینه‌ای دارد، و نخستین بار توسط خود پیشوایان معصوم علیه السلام طرح و تبلیغ گردیده است. مهمترین موضوع در حکومت اسلامی که آن را از سایر حکومت‌ها متمایز می‌کند ولایت فقیه می‌باشد. در نتیجه در نظام اقتصادی اسلامی نقش ولایت مطلقه فقیه اهمیت خاصی پیدا می‌کند که به نظر می‌رسد تا به امروز این موضوع در اقتصاد اسلامی مغفول مانده است. به نظر می‌رسد با توجه به اهمیت پول در اقتصاد و جامعه لازم است تولید و کنترل آن از مجرای الهی صورت گیرد. با توجه به این که نظام جمهوری اسلامی ایران حکومتی مبتنی بر توحید تشکیل شده است و مجرای الهی بودن آن از طریق ولایت مطلقه فقیه انجام می‌گیرد لازم است عالی‌ترین نهاد پولی و مالی کشور که بانک مرکزی می‌باشد تحت نظارت مستقیم ولایت فقیه صورت گیرد.

کلمات کلیدی: استقلال بانک مرکزی، اقتصاد اسلامی و ولایت مطلقه فقیه

مقدمه

تاریخ بشری برنامه‌های اقتصادی مختلفی را برای بهبود معیشت خود آزموده است، دانشمندان و نظریه پردازان اقتصادی در طول تاریخ به بیان این برنامه‌ها پرداخته‌اند. نظام‌های اقتصادی کاپیتالیسم و سوسیالیسم از جمله برنامه‌هایی بوده که نظریه پردازان بیان کرده‌اند. در این بخش ابتدا به بررسی نظام سرمایه داری و سوسیالیسم می‌پردازیم، پس از آن نشان می‌دهیم که این نظام‌ها محکوم به شکست می‌باشند و نظام اقتصادی برتر که معیشت را به بهترین وجه ممکن می‌سازد نظام اقتصادی اسلام است.

بررسی تاریخ اقتصاد نشان می‌دهد تا پیش از ایجاد نهادی به نام بانک مرکزی، دولت‌ها وظیفه انتشار پول را بر عهده داشتند. دولت‌ها با استفاده از امتیاز نشر پول هر زمان که با کاهش درآمد یا کمبود نقدینگی در خزانه رو به رو می‌شدند، با افزایش شدید حجم پول در گردش به تورم دامن می‌زدند. دولت‌ها که به دلیل تصدی قوه مجریه و تکفل هزینه‌های بودجه‌ای به خرج کردن منابع به میزانی بیش از درآمدها تمایل دارند، همواره بر بانک‌های مرکزی برای اخذ وام فشار وارد می‌کنند و توجه زیادی به آثار تورمی ناشی از این امر ندارند. در واقع، به رغم اینکه بر اساس ملاحظات تجربی و نظری اقتصاد کلان، تنظیم سیاست‌های پولی، از جمله حجم نقدینگی باید متناسب با اهدافی مانند رشد اقتصادی و ثبات سطح عمومی قیمت‌ها انجام شود، مشکلات مالی دولت‌ها بر این ملاحظات فائق آمده و در نتیجه کارکرد سیاست‌های پولی را با مخاطره جدی مواجه ساخته است. به همین دلیل تجربه تاریخی درباره روابط بین دولت و بانک مرکزی به شکل گیری نظریه استقلال در خصوص روابط بین دولت و بانک مرکزی منجر شده است (السینا و سامرز، ۱۹۹۳).

استقلال بانک مرکزی بدان معنا نیست که بانک مرکزی آزادی مطلق دارد و نباید به سیاست‌های دولت توجهی بکند، بلکه بر عکس، بانک مرکزی باید با توجه به شرایط اقتصادی و مراحل توسعه‌ای که کشور در آن قرارداد سیاست‌های پولی موثری را به کار گیرد تا ضمن کنترل تورم باعث رکود و بیکاری نشود و در عین حال بتواند انگیزه و تحرک لازم در اقتصاد کشور به وجود آورد. بنابراین وجود یک نظام بانکی اسلامی کارآمد در جهت تحقق این هدف مهم الزامی است.

در مورد اندازه مطلوب دولت بین مکاتب و دیدگاه‌های مختلف اقتصادی اتفاق نظر وجود ندارد دولت‌ها را از نظر مداخله اقتصادی می‌توان در طیف گسترده‌ای دانست که از دولت کلاسیک آغاز و به دولت برنامه‌ریز متمرکز ختم می‌شود. در میان این دو می‌توان به دولت قانونگذار، دولت رفاه، دولت سیاستگذار و دولت برنامه‌ریز بخشی اشاره کرد.

با این حال، بیشتر صاحب نظران، بر لزوم ایجاد زیرساخت‌های لازم توسط دولت که شامل نهادهای حافظ حقوق مالکیت، سیاست‌گذاری، الزام به اجرای تعهدات و نظام با ثبات مالی است، برای عملکرد بهتر بازار تأکید می‌کنند و ارائه خدمات اصلی با پایه‌ای مبتنی بر نهادهای فوق را که شامل تأمین امنیت و سطحی از رفاه اجتماعی است، ضروری می‌دانند.

ارتباط میان مخارج دولت و رشد اقتصادی نیز در نظریه‌های اقتصادی چندان روشن نیست. با این حال، انتظار می‌رود که دولت با ایجاد زیرساخت‌های لازم و ارائه مطلوب و کارآمد خدمات پایه به رشد اقتصادی کمک نماید. شواهدی از

عملکرد چند دهه اخیر برخی اقتصادهای توسعه یافته و در حال توسعه در دست است که نشان می‌دهد فراتر رفتن اندازه دولت از حدود مورد نیاز برای ارائه خدمات پایه‌ای، به کاهش رشد اقتصادی منجر می‌شود.

مطالعات انجام گرفته در داخل کشور

در زمینه استقلال بانک مرکزی و تأثیر آن بر اقتصاد می‌توان به پژوهش دکتر مسعود نیلی اشاره کرد که شکل‌گیری نوعی وفاق در مورد سیاست زدایی از سیاست‌گذاری پولی و عدم استفاده از پول به عنوان ابزاری سیاسی، مهمترین مقدمه کاهش قابل توجه نرخ تورم در سال‌های اخیر در سطح جهان بود.

در مورد تحقیقات انجام گرفته در زمینه اندازه دولت پژوهش‌های زیادی انجام شده است. در خصوص پژوهش‌های داخلی، سامتی (۱۳۸۲) با استفاده از مدل آرمی اندازه مطلوب فعالیت‌های اقتصادی دولت را در دو مقطع ۵۸-۱۳۶۷ و ۶۸-۱۳۷۷ مقایسه کرده است. نتایج وی نشان می‌دهد که در این دو دوره، حجم فعالیت‌های اقتصادی دولت بیش از حد مطلوب آن است. قلی‌زاده (۱۳۸۳) به کمک الگوی بارو برای اقتصاد ایران به این نتیجه رسید که اندازه بهینه دولت در حدود ۲۳ درصد است. عسلی (۱۳۸۳) معتقد است، رابطه رشد درآمد ملی با مخارج جاری در بودجه دولت در شرایط مفروض موجب کاهش سرمایه‌گذاری، تولید و کاهش تقاضا برای نیروی کار می‌شود. نیلی و مصلحی (۱۳۸۵) نشان دادند که اندازه دولت در حوزه بودجه عمومی و نیز در حوزه تصدی‌ها، به طور جداگانه در قالب دو منحنی U معکوس با رشد اقتصادی مرتبط است. دخالت‌های غیربودجه‌ای اثر کاهنده بر رشد دارد. صیادزاده و همکاران (۱۳۸۶) نتیجه گرفتند که اندازه دولت از اندازه بهینه خود بزرگتر است. اقبالی (۱۳۸۶) با استفاده از یک تابع کاب-داگلاس با بازدهی ثابت به بررسی مخارج دولت بر رشد اقتصادی در ایران در سال‌های ۵۲-۱۳۸۲ پرداخته‌اند. یافته‌های آنها نشان می‌دهد که مخارج دولت چه به صورت مصرفی و چه به صورت سرمایه‌ای اثر مثبت بر رشد اقتصادی دارد. محمدزاده و دیگران (۱۳۸۶) اندازه بهینه دولت در کشورهای منتخب را از طریق منحنی آرمی با استفاده از تحلیل داده‌های تابلویی و سری زمانی مورد بررسی قرار داده‌اند. یافته‌های آنها نشان می‌دهد، اندازه بهینه دولت در ایران ۲۶/۴۶ درصد است که اندکی از میانگین اندازه دولت در دوره مورد بررسی (۲۵/۷۲ درصد بیشتر بوده و در ۱۶ سال از دوره مورد مطالعه، اندازه دولت بیش از اندازه بهینه آن بوده است).

کمیجانی و نظری (۱۳۸۸) به بررسی تأثیر اندازه دولت بر متغیرهای بخش واقعی اقتصاد ایران با استفاده از الگوی خود رگرسیون برداری پرداخته‌اند. نتایج بررسی آنها نشان می‌دهد که تأثیر اندازه دولت بر رشد اقتصادی هر چند در کوتاه مدت منفی، اما معنادار نیست، ولی در بلندمدت اندازه دولت اثر مثبت بر رشد اقتصادی دارد. نکته مهم دیگری که آنها اشاره دارند، آن است که لازمه توسعه یافتگی، کوچک بودن دولت و کم شدن سهم مخارج دولت از تولید نیست، بلکه مدیریت مخارج عمومی از اهمیت بسیار بیشتری در این خصوص برخوردار است. پیرایی و نوروزی (۱۳۹۱) نیز به بررسی اندازه بهینه دولت با استفاده از رویکرد اندازه آستانه پرداخته‌اند. نتایج بررسی آنها حاکی از آن است که اثر شاخص واقعی هزینه کل دولت، شاخص واقعی سرمایه‌گذاری و هزینه‌های مصرفی دولت، بر رشد اقتصاد معنادار و مثبت بوده و دولت می‌تواند همچنان هزینه مصرفی و سرمایه‌گذاری خود را برای گسترش

زیرساخت‌های اقتصادی و به دنبال آن، رشد و توسعه اقتصادی تا رسیدن به اثر آستانه که در مطالعه یادشده برای هزینه مصرفی و سرمایه‌گذاری به ترتیب ۲۸/۸ و ۲۱/۴ درصد است، افزایش دهد.

تحقیقاتی که در زمینه خلق پول از طریق نرخ ذخیره قانونی توسط شبکه بانکی انجام گرفت می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:
شهید محمدباقر صدر (۱۹۵۷) دیدگاه متفاوتی از بانکداری را مطابق با شریعت اسلامی در یک جامعه غیر اسلامی طرح ریزی می‌کند و کارکرد یک بانک اسلامی را در کتاب «البنک لا ربوی فی الاسلام» ارائه می‌کند. ویژگی بارز این نظریه در تبیین کارکرد بانک اسلامی و بانکداری غیر ربوی در فضای بانکداری ربوی (اعم از بانکداری مبتنی بر اصل ذخیره جزئی و یا بانکداری محدود بر پایه ذخیره صد در صدی پول) است. در این رابطه وی با تفکیک کارکرد بانک اسلامی در فضای بانکداری غیر اسلامی، نظریه خود را بر اساس واقعیات اجتماعی و اقتصادی غیر اسلامی پایه ریزی می‌کند.

در این راستا شهید صدر کارکرد بانکداری بدون ربا را در بستر بانکداری ربوی طرح ریزی می‌کند. هدف اصلی شهید صدر برنامه‌ریزی برای شکل دهی فعالیت یک بانک بر اساس آموزه‌های دینی و حرمت ریاست. در این مسیر طرح ریزی برای تأسیس بانک اسلامی به مثابه کوشش در جهت اهداف اقتصاد اسلامی از قبیل برابری اجتماعی، عدالت در توزیع ثروت و غیره است. وی معتقد است این اهداف در تضاد با عناصر جامعه غیر اسلامی نیست و می‌توان بر این مبنا طرح بانکی را بیان کرد که حتی در متن یک نظام غیر اسلامی نیز قابلیت کارکرد داشته باشد. خط مشی بانک اسلامی از منظر شهید صدر بر سه پایه استوار شده است، کارکرد آن مخالف با احکام شریعت اسلام نباشد؛ قادر باشد در فضای واقعیت‌های اجتماعی اقتصاد سرمایه داری با موفقیت انجام وظیفه کند؛ به عنوان یک موسسه تجاری که در پی نفع خود است فعالیت کند (صدر، ۱۳۶۰: ۴).

داوودی و محقق (۱۳۸۷) در مقاله با عنوان بانکداری محدود، تاریخچه و ادبیات این نگرش را بررسی می‌کنند. در این میان، بانکداری محدود با سابقه تثوریک طولانی و در عین حال، بدون تجربه اجرایی، ذهن‌های بسیاری را مشغول کرده است. در بانکداری محدود، رابطه سپرده‌های جاری با تأمین مالی وام‌های بانکی قطع می‌شود و نرخ ذخیره قانونی سپرده‌های جاری صد در صد خواهد بود. در چنین فرضی، بانک‌های محدود به سپرده‌پذیری و سیستم پرداخت مبادرت خواهند ورزید و از وام‌دهی منع می‌شوند. در این حالت واسطه‌های مالی غیر بانکی تسهیلات خواهند داد و تحت مقررات وراق بهادار شرکت‌ها عمل خواهند کرد. نویسندگان این مقاله معتقدند که این نوع از بانکداری می‌تواند در برخی موارد، همخوانی بیشتری با اصول موردنظر اسلام در بانکداری داشته باشد.

داوودی و هادیان (۱۳۹۰)، در مقاله‌ای با عنوان بهره پولی و بحران مالی، با استفاده از آمار و اطلاعات بازارهای مالی و حقیقی اقتصاد آمریکا طی دوره ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۹ به این نتیجه می‌رسند که وجود نرخ بهره در نظام سرمایه داری به مثابه خط گسلی است که در سیستم اقتصادی هارمونی بخش حقیقی و بخش مالی را مختل می‌کند و جدایی بین بخش مالی و حقیقی منجر به شکنندگی نظام اقتصادی می‌شود.

مجاهدی موخر و دیگران (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان مدل سازی رفتار بین نسلی از عملکرد بانکداری ذخیره جزئی با تأکید بر رهیافت مورئیس آله، در الگویی مبتنی بر الگوی تعادلی دیاموند (۱۹۶۵) و الگوی نسل های تداخلی سامونلسن (۱۹۵۸)، تاثیر بانکداری ذخیره جزئی بر رفتار مصرفی و انباشت سرمایه را تحلیل می کنند. نتایج بیانگر این است که در وضعیت پایا، تفاوت های سرسیدی میان سپرده پذیری و وام دهی، خلق پول اعتباری از هیچ و تاثیر آن بر سطح عمومی قیمت ها می تواند منجر به ناپایداری مصرف و انباشت سرمایه شود.

واعظ برزانی و ایزدخواستی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای به نقش نرخ بهره پولی در بحران های اقتصادی نظام سرمایه داری با رویکرد اسلامی پرداخته اند. نتایج بیانگر این است که نرخ بهره پولی، نقش مهمی در محدود کردن سطح اشتغال و تولید دارد و باعث تورم و نااطمینانی در اقتصاد می شود. همچنین مانع از تخصیص بهینه منابع و رسیدن اقتصاد به وضعیت تعادل پایدار می شود. بنابراین بانکداری اسلامی مبتنی بر عقود واقعی اقتصاد، می تواند محدودیت های پیش گفته را حذف کند و باعث برقراری انضباط مالی شود. در نتیجه پارادایم اسلامی از این جنبه می تواند نسبت به نظام سرمایه داری کارایی بیشتری داشته باشد.

ابراهیمی و واعظ برزانی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان تحلیل نظری خلق اعتبار بر بحران مالی، با افزودن بخش های پول و بانک در چارچوب الگوی رشد رمزی به تحلیل پویای ایجاد ادوار تجاری و بحران مالی پرداخته اند. نتایج حاصل از آن بیانگر این است که خلق اعتبار اصلی ترین علت بروز بحران مالی سال ۲۰۰۸ بوده است.

ایزدخواستی و دیگران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان تحلیل تاثیر مالیات بر تخصیص منابع و رفاه در اقتصاد ایران در چارچوب یک الگوی رشد درون زا با لحاظ کردن فراغت و آثار جانبی تولید به تحلیل تاثیر سیاست های پولی بر تخصیص منابع و رفاه پرداخته اند. نتایج بیانگر آن است که با افزایش نرخ مالیات تورمی، ذخیره سرمایه و تولید افزایش می یابد؛ اما با کاهش مانده های واقعی پول و فراغت نیروی کار، سطح رفاه اجتماعی کاهش می یابد.

بخشی دستجری و شیخ انصاری (۱۳۹۴)، در مقاله‌ای با عنوان تاثیر بانک های تجاری و رشد جمعیت بر تورم بهینه در مدل سیدراسکی برای اقتصاد ایران، با تعمیم الگوی سیدراسکی (۱۹۶۷) به تحلیل تاثیر بانک های تجاری و رشد جمعیت بر تورم بهینه پرداخته اند. نتایج بیانگر آن است که کاهش قدرت خلق پول بانکهای تجاری از طریق افزایش نرخ ذخیره قانونی و افزایش نرخ رشد جمعیت باعث کاهش نرخ تورم بهینه می شود.

بخشی و دلالی اصفهانی (۱۳۹۱) در فصل هشتم از کتاب آسیب شناسی نظریه بهره و نظام بانکداری متعارف به تحلیل نقش اصل ذخیره جزئی در خلق اعتبار در وضعیت گوناگون وجود و عدم وجود بانک، صفر بودن و نبودن نرخ بهره بانکی و اثرهای آن در اقتصاد کلان پرداخته اند. نتیجه ها گویای آن است که با هر نرخی از ذخیره قانونی، شبکه بانکی قادر خواهد بود تا بی نهایت پول خلق کند. از آنجا که وام های بانکی برای بانک درآمدزا هستند، بانکداری مبتنی بر اصل ذخیره جزئی، تورم زاستو فقط در وضعیتی که نرخ صد در

صدی برای ذخیره قانونی در نظر گرفته شود، اقتصاد از تورم تورم ناشی از خلق پول در امان خواهد بود (دلالی اصفهانی و بخشی، ۱۳۹۱: ۱۸۵-۲۱۹).

موسویان و نظری (۱۳۹۲) به الگوی بهینه نرخ ذخیره قانونی متأثر از دیدگاه های افراطی و تفریطی در حوزه بانکداری اسلامی پرداخته و یا بیان دیدگاه ها و ادله نظریه های افراطی و تفریطی در استفاده حداکثری و عدم استفاده از نرخ ذخیره قانونی، دیدگاه میانه را پیشنهاد داده اند؛ به گونه ای که در سپرده های دیداری، نرخ حداکثری در سپرده های فرض الحسنه، نرخ حداقلی و در سپرده های سرمایه گذاری نرخ بین حداکثر و حداقل تعیین شود. بر این اساس، تغییرها در نرخ ذخیره قانونی در سیاست گذاری بیشتر به سپرده های سرمایه گذاری محدود می شود (موسویان و نظری، ۱۳۹۲: ۲-۳۶).

نظام سیاسی اسلام

هدف اصلی در نظام سیاسی اسلام، توسعه ی بستر تقرب الهی است که تنها انسان به عنوان جزئی از نظام هستی و اشرف مخلوقات، مسیر از او (انا الله) و به سوی او (الیه راجعون) را طی می کند و منزلگاه نهایی اش، با رفتن در جوار قرب الهی خواهد بود. «قرآن کریم»، بیان این حقیقت می فرماید: *انَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهْرٍ فِي مَقْعَدِ صَدَقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ*؛ به راستی که تقوا پیشگان در باغ های خرم و باشکوه و با نهلهای روان، در جایگاهی راستین نزد پادشاهی با اقتدار، منزل می کنند. کمال این منزلت و موقعیت، مرتبه ای است که انسان، محبوب خدا قرار گرفته و عمل او خدائی می شود.

در جامعه اسلامی، همه چیز در خدمت تعالی انسان قرار می گیرد. این تعالی با تقرب به خداوند حاصل می شود و حکومت نیز زمینه ساز این تقرب تعالی بخش است.

البته تحقق این مهم به این معنا، نیست که اختیار و آزادی انسان ها سلب می شود و جبر و زور حکومتی، همگان را به سمت و سوئی معین می کشاند که اساساً در این صورت؛ قربی حاصل نمی شود؛ زیرا تقرب در انسان و پذیرش اختیاری قرب، بیش از آنکه جسمی و فکری باشد روحی است. نزدیکی با دوستی حاصل می شود و این رفتاری قلبی و پیرو اراده و اختیار انسان است. در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده است: «هدف از حکومت، رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی است (والی الله المصیر) تا زمینه ی بروز و شکوفایی استعدادها، به منظور تجلی ابعاد خداگونگی انسان، فراهم آید». نظام سیاسی اسلام، مانند هر نظام سیاسی - اصولاً هر مجموعه ای هدفهایی را دنبال می کند که به دو گروه اصلی و فرعی تقسیم می شوند. هدف اصلی نظام اسلامی، توسعه ی بستر و زمینه هایی است که تقرب انسان به پیشگاه خداوند و آرامش و آسایش جاویدان او، در آن گستره حاصل می شود. اهداف فرعی نظام سیاسی اسلام که ابزار تحقق هدف اصلی می باشند، عبارتند از: اقامه قسط و عدل، برقراری نظم و امنیت، ارتقای فرهنگی و تأمین رفاه عمومی. نظام سیاسی اسلام، برای دستیابی به اهداف اصلی و فرعی خود، سیر خاصی را دنبال نموده و حرکت

خود را بر پایه ها و اصول بنیاد می نهد. و اگر چنین تعاملی بگیرد طبیعتاً جامعه به طرف یک هدف مشخص و قابل توجهی سوق خواهد گرفت.

ضرورت وجود حکومت

بنا بر دلایل عقلی و نقلی وجود حکومت امری ضروری است. با وجود دلایل عقلی قطعی مبنی بر ضرورت حکومت، نیازی به تعبد نیست؛ بنابراین آنچه از قرآن ذکر می شود، بیان ارشادی است که مؤید دلایل عقلی ضرورت حکومت می باشد. آیاتی که به ضرورت حکومت اشاره می کند، چند دسته اند:

الف. آیاتی که به صراحت از تشکیل حکومت توسط مسلمانان سخن می گویند؛ همچنان که خداوند در آیه ۲۱۳ سوره بقره می فرماید: <مردم امت واحد بودند، خدا پیامبران را مبعوث کرد تا بشارت و انذار دهند، همراه آنان کتاب فرستاد تا بین مردم در مورد اختلاف هایشان به حق حکم کنند>. حکم کردن یکی از ارکان حکومتی است که قوه قضاییه عهده دار آن می باشد.

تشکیل حکومت علاوه بر وجود فردی به عنوان رهبر، به دو مؤلفه سرزمین و ملت نیز نیاز دارد؛ از این رو، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به علت عدم وجود این دو مؤلفه در مکه اقدام به تشکیل حکومت نمی کند؛ اما پس از هجرت به مدینه شرایط برای تشکیل حکومت اسلامی فراهم می آید و بعد از وجود شرایط تشکیل حکومت است که افراد واجب الطاعة در قرآن معرفی می شوند.

بنابراین بدون وجود حکومت چگونه می توان بین مردم حکم کرد؟ در این آیه تصریح شده است که همراه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) کتاب فرستادیم تا براساس آن بین مردم داوری کند و در آیات دیگر به نوع داوری نیز اشاره می کند، مانند <اگر حکم کردی پس بین مردم به عدالت حکم کن، خداوند حکم کنندگان به عدالت را دوست دارد> و <ای داوود! ما تو را در روی زمین خلیفه قرار دادیم پس بین مردم به حق داوری کن>. براساس این آیات و آیات دیگر، وجود حکومت عدالت پیشه ضروری است تا انسان بتواند به رشد و کمال انسانی برسد.

ب. آیاتی که به صفات متصدی حکومت اشاره می کند: برخی آیات بیانگر صفات جسمی، علمی و معنوی متصدی می باشند؛ در این زمینه می توان به آیات ذیل استناد کرد:

۱. پس آنان را به اذن خدا شکست دادند و داوود، جالوت را کشت و خدا به او فرماندهی رسالت و حکومت و حکمت داد. از مفاد آیه چنین به دست می آید:

- کشته شدن جالوت به دست نیرومند داوود، افزون بر مقام رسالت، او را شایسته مقام فرماندهی جنگ و سلطنت کرد.

- ضرورت وجود حکومت از کلمه ملک استفاده می شود؛ زیرا ملک به معنای سلطنت می باشد.

- از صفات متصدی داشتن علم و حکمت است.

بر این اساس هم حکومت ضروری است و هم فردی که در رأس آن قرار می‌گیرد، باید دارای شرایط بیان شده باشد.
۲. پیامبر بنی اسرائیل به آن‌ها گفت: خدا طالوت را بر شما برگزیده و او را در علم و قدرت جسمی وسعت بخشید. خداوند در جواب بنی اسرائیل که به انتخاب طالوت برای رهبری اعتراض داشتند، چنین پاسخی می‌دهند؛ بنابراین داشتن قدرت جسمی کافی نیز از شرایط رهبری می‌باشد.

۳. یوسف گفت: مرا سرپرست گنجینه‌های سرزمین‌های مصر قرار ده که نگه دارنده و آگاهم. این آیه و آیات دیگر مربوط به جریان حضرت یوسف (ع) ضرورت حکومت شخصی مدیر، مدبر و آگاه را بر جوامع انسانی به خصوص در مواقع بحرانی روشن می‌کند که در صورت محرومیت از چنین حکومتی، جامعه دچار ضررهای جبران ناپذیری می‌شود.
آیات ذکر شده علاوه بر بیان صفات متصدی حکومت، به طور ضمنی ضرورت وجود حکومت را نیز ثابت می‌کند. امامت نمونه عالی دولت اسلامی از دیدگاه شیعیان است. شیعیان معتقدند که خداوند امامان را برای اداره نظام سیاسی و هدایت جامعه اسلام بعد از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) برگزیده است.

عناصر قدرت از دیدگاه قرآن

تشکیل حکومت علاوه بر وجود فردی به عنوان رهبر، به دو مؤلفه سرزمین و ملت نیز نیاز دارد؛ از این رو، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به علت عدم وجود این دو مؤلفه در مکه اقدام به تشکیل حکومت نمی‌کند؛ اما پس از هجرت به مدینه شرایط برای تشکیل حکومت اسلامی فراهم می‌آید و بعد از وجود شرایط تشکیل حکومت است که افراد واجب‌الاطاعة در قرآن معرفی می‌شوند. برای نمونه به آیاتی در ادامه اشاره می‌شود:

اسلام، دینی جهانی است که در محدوده مکانی، زمانی و نژادی قرار نمی‌گیرد، از این رو، مخاطبین آن تمام مردم دنیا می‌باشند. خداوند در آیات متعدد با خطاب (یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا) همه مردم جهان را مورد اشاره قرار می‌دهد. بر این اساس «امت اسلامی» به مجموعه کسانی اطلاق می‌شود که در همه جای دنیا، در هر شبانه روز، پنج بار رو به کعبه نماز می‌خوانند. مرز جامعه اسلامی عقیده و ایمان است و در اصل با مرزهای جغرافیایی مصطلح قابل مقایسه نیست.

۱. ای کسانی که ایمان آوردید، از خدا اطاعت کنید و از پیامبر و اولی الامر خویش فرمان برید. اطاعت در آیه فوق سه محور را بیان می‌کند: ۱. خدا؛ ۲. پیامبر (صلی الله علیه و آله)؛ ۳. اولی الامر. خداوند در این آیه بعد از وجوب اطاعت خویش، به وجوب اطاعت از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) اشاره می‌کند و آن را در ردیف اطاعت خود قرار می‌دهد. بحث امامت، از مباحث مطرح در بین شیعیان و از مختصات آنان می‌باشد. از آیه بیان شده چنین نتیجه گرفته می‌شود که اطاعت از «اولی الامر» واجب و در ردیف اطاعت از خدا و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می‌باشد.

مصدق اولی الامر

مصدق «اولی الامر» بر اساس شواهد عقلی و نقلی، امامان معصوم و در عصر غیبت، ولی فقیه جامع الشرایط می‌باشد.

مرزهای قدرت از دیدگاه قرآن

اسلام، دینی جهانی است که در محدوده مکانی، زمانی و نژادی قرار نمی‌گیرد، از این‌رو، مخاطبین آن تمام مردم دنیا می‌باشند. خداوند در آیات متعدد با خطاب (یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا) همه مردم جهان را مورد اشاره قرار می‌دهد. بر این اساس «امت اسلامی» به مجموعه کسانی اطلاق می‌شود که در همه جای دنیا، در هر شبانه روز، پنج بار رو به کعبه نماز می‌خوانند. این مجموعه پراکنده، جغرافیای جهان اسلامی را تشکیل می‌دهد. بنابراین مفهوم «امت اسلامی» با مفهوم «ملت» که یکی از ارکان اساسی دولت در جغرافیای سیاسی امروز است، به طور کامل متمایز می‌باشد. مرز جامعه اسلامی عقیده و ایمان است و در اصل با مرزهای جغرافیایی مصطلح قابل مقایسه نیست.

خداوند در قرآن ضمن یادآوری سلسله پیامبران و بحث درباره سرگذشت آنان، آورده است: «این گروه پیامبران و پیروان آنان امت واحدند و من پروردگارتان هستم. پس مرا بپرستید و پرهیزگار باشید». بر اساس این آیه و آیات مشابه، مجموعه افراد بشر به عنوان امت واحد، از خدای واحد اطاعت می‌کنند. دعوت همه پیامبران الهی برای پرستش خدای یگانه نشان دهنده دین واحد برای همه جهانیان است و پیامبران با دعوت از همه مردمان برای پرستش خدای یگانه، برای اقامه عدالت در جامعه انسانی گام برداشته‌اند.

بنابراین مرزهای سیاسی ﴿به جز مرزهایی که دارالاسلام را از دارالکفر جدا می‌کند﴾، از دیدگاه اسلام اعتباری ندارد. یک مسلمان می‌تواند در دارالکفر زندگی کند و برای زنده ماندن تقیه نماید و جزء امت اسلامی باشد؛ همان‌گونه که خداوند می‌فرماید: «کسی که بعد از ایمان آوردن کفر بورزد از دروغ‌گویان است، مگر کسی که از ناحیه دشمن مجبور به اظهار کفر شود، ولی دلش به ایمان مطمئن باشد».

اگر چه از دیدگاه اسلام عامل اصلی وحدت امت و جامعه اسلامی وحدت عقیده است، ولی باید توجه داشت که وحدت سرزمین و وجود مرزهای جغرافیایی، اعم از طبیعی و قراردادی به طور کلی فاقد اعتبار نیست و چنانکه می‌دانیم «دارالاسلام» که با مرزهای خاص مشخص می‌شود، در فقه اسلامی، احکام خاصی دارد؛ مانند مهاجرت کردن به آن در مواردی واجب است یا ذمی که از احکام ذمه سرپیچی کند از آن اخراج می‌شود.

امام خمینی (قدس ره) معتقدند: حکومت که شعبه‌ای از ولایت مطلقه رسول‌الله (صلی الله علیه و آله) است، یکی از احکام اولیه اسلام و مقدم بر تمام احکام فرعی، حتی نماز، روزه و حج است. حکومت می‌تواند از هر امری، چه عبادی یا غیر عبادی که جریان آن مخالف مصالح اسلام است، تا زمانی که چنین باشد، جلوگیری کند.

از طرفی اختلاف عقیده عامل قطعی برای بیگانگی نیست؛ زیرا ممکن است اشخاص غیر مسلمان در داخل کشورهای اسلامی و تحت حمایت دولت اسلامی باشند که نوعی تابعیت را نسبت به آن پیدا می‌کنند. به این ترتیب مرز کشورهای

اسلامی با کشورهای غیر اسلامی تعیین می‌شود؛ یعنی سرزمینی که اتباع کشور اسلامی در آن زندگی می‌کنند، دارالاسلام و مرز املاک ایشان نیز همان خواهد بود، چه با عوامل طبیعی مثل کوه و دریا و چه با علائم قراردادی مشخص شود.

شبکه قدرت از دیدگاه قرآن

با بررسی آیات قرآن می‌توان دریافت، پس از خداوند که محور اصلی شبکه قدرت می‌باشد، گروه‌های تشکیل دهنده شبکه قدرت کسانی بودند که در شرایط مختلف از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) اطاعت و حمایت می‌کردند؛ قرآن این گروه را به چهار دسته تقسیم می‌کند: ۱. مسلمانان طرفدار رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و فعالان سیاسی؛ ۲. مسلمانان منافق؛ ۳. مشرکین؛ ۴. اهل کتاب.

در شبکه طراحی شده توسط پیامبر رسول اکرم (صلی الله علیه و آله)، افراد مشرک و اهل کتاب جایگاهی نداشتند. اهل کتاب باید جزیه پرداخت می‌کردند و بدون فعالیت سیاسی در سرزمین‌های خود باقی می‌ماندند، همچنان که خداوند می‌فرماید: «کسانی از اهل کتاب را که به خدا و روز قیامت ایمان نمی‌آورند و آنچه را خدا و فرستاده‌اش حرام کرده، حرام نمی‌دارند و به دین حق نمی‌گروند، بکشید تا به دست خود در حالی که کوچک شمرده می‌شوند، جزیه بدهند».

از آیه فوق چنین به دست می‌آید که افراد مغرض نمی‌توانند در سرزمین اسلامی سکونت کنند. اگر تسلیم باشند و جزیه پرداخت کنند، فقط حق سکونت دارند؛ ولی نمی‌توانند در مسائل سیاسی و حکومتی دخالت داشته باشند. این نکته از عبارت (وَهُمْ صَاغِرُونَ) (فهمیده می‌شود؛ یعنی آن‌ها جزء طبقات پایین جامعه اسلامی هستند).

در آیه دیگری آمده است: «افراد با ایمان که در راه خدا جهاد و هجرت کردند و کسانی که افراد با ایمان را پناه داده و آنان را یاری نمودند، جزء مؤمنین محسوب می‌شوند». بنابراین رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) از افرادی که به دستوراتش گوش فرا می‌دادند و از او اطاعت و حمایت می‌کردند و اگر نفاقی در قلب داشتند آشکار نمی‌کردند، در مسائل سیاسی استفاده می‌کرد و در موارد مختلف با آن‌ها مشورت می‌نمود. بنابراین در حکومت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) منافقین نیز گاهی اعمال نظر می‌کردند.

کارکرد حکومت

تصمیمات و رفتارهای نظام را می‌توان در سه محور نهاد تصمیم‌گیری، دامنه قدرت و جریان قدرت بررسی کرد.

نهاد تصمیم‌گیری

خداوند در آیات فراوانی تصمیم‌گیری و رهبری جامعه را مخصوص پیامبران و جانشینان آنان می‌داند. از جمله در آیه ۵۹ سوره نساء سلسله مراتب نهاد تصمیم‌گیری را چنین بیان می‌کند: «ای کسانی که ایمان آوردید از خدا و پیامبر و اولی الامر خویش پیروی کنید». بر اساس این آیه تصمیم‌گیری نهایی در امور مسلمانان با رسول اکرم (صلی الله علیه و آله)

و پس از آن حضرت، با ائمه: و جانشینان آنها می‌باشد، اما در زمان غیبت معصوم (ع) به چه کسانی اولی الامر می‌گویند؟ بر اساس آرای اکثر علما، مصداق اولی الامر بعد از ائمه: ولی فقیه جامع الشرایط می‌باشد.

دامنه قدرت از دیدگاه قرآن

حاکم اسلامی در امور خصوصی و امور عمومی مردم دارای اختیاراتی است. مؤمنین اختیار جان و اموال و عرض خود را دارند، ولی ولایت کلی بر جان و اموال مؤمنین بر عهده رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌باشد. بر مردم واجب است، هر آنچه رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) امر می‌کند، اطاعت کنند. آیات فراوانی در قرآن بر این مفهوم دلالت دارد: «پیامبر به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است...».

در حکومت الهی، رهبر اسلامی رأس قدرت است که در اداره امور جامعه و مسائل مورد نیاز، به تعامل با مردم می‌پردازد؛ یعنی در بطن حکومت، مردم سالاری دینی جریان دارد. مرزهای قدرت اسلامی نیز براساس اعتقادات تعریف می‌شود، اما مرزهای جغرافیایی دارای اعتبار و در فقه اسلامی دارای احکام خاص است.

براساس این آیه، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) صاحب اختیار مؤمنین می‌باشد و اولویت یعنی اینکه فرد مسلمان هر جا منافع شخصی خود را در تضاد با امر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) دید، امر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را انجام دهد. بنابراین رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می‌تواند براساس احکام الهی، علاوه بر حوزه عمومی افراد، در حوزه خصوصی آنها نیز دخالت داشته باشد. تمام اختیارات بیان شده برای ائمه: نیز ثابت است.

جریان قدرت از دیدگاه قرآن

منظور از جریان قدرت در نظریه‌های نظام سیاسی، چگونگی عبور اطلاعات، تصمیمات و فرمان‌ها از شبکه‌های مختلف نظام سیاسی است. به طور کلی در تاریخ نظام‌های سیاسی دو جریان اقتدارگرایی قدرت که از بالا به پایین جاری می‌شود و جریان مردم سالاری قدرت که حرکتی از سمت پایین به سمت بالاست، وجود دارد.

آیه (أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ)، نشان دهنده جریان اقتدار گرایانه قدرت و به ترتیب اولویت است. آیاتی نیز که از مشورت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) با مردم در امور مختلف سخن گفته است، نشان دهنده جریان قدرت از پایین به بالاست: «... پس از آنان در گذر و برایشان آمرزش بخواه و در کارها با آنان مشورت کن...».

براساس این آیه شریفه، مشورت در امور اداری جامعه جایز می‌باشد؛ زیرا گذشت و استغفار که قبل از مشورت کردن در امور آمده است، نمی‌تواند مطلق گناهان را در بر بگیرد. همچنین نمی‌تواند شامل احکام الهی شود. عفو و مغفرت در چارچوب ولایت و تدبیر امور عام است؛ زیرا در این گونه امور می‌توان مشورت نمود. بنابراین حکم به مشورت کردن حاکم اسلامی با مردم در امور جامعه، نشان دهنده این مطلب است که مردم می‌توانند وارد جریان قدرت شده و نظراتشان در اداره امور جامعه تأثیرگذار باشد؛ یعنی قدرت از پایین به بالا نیز جریان دارد که از آن می‌توان به مردم سالاری دینی

تعبیر کرد. بنابراین هرگاه مسلمانان شرایط را برای تشکیل حکومت مساعد دیدند، باید در این زمینه اقدام کنند. قرآن مختصات حکومت الهی را نیز ترسیم نموده و به همگان ارائه داده است. در حکومت الهی، رهبر اسلامی رأس قدرت است که در اداره امور جامعه و مسائل مورد نیاز، به تعامل با مردم می‌پردازد؛ یعنی در بطن حکومت، مردم سالاری دینی جریان دارد. مرزهای قدرت اسلامی نیز براساس اعتقادات تعریف می‌شود، اما مرزهای جغرافیایی دارای اعتبار و در فقه اسلامی دارای احکام خاص است.

ولایت مطلقه فقیه

پیروزی انقلاب شکوه مند اسلامی ایران در بهمن ماه سال ۱۳۵۷ و اعلام نظام «جمهوری اسلامی» بر اساس تئوری «ولایت فقیه» از سوی رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی قدس سره، به لحاظ نا شناخته بودن ابعاد و زوایای آن و نیز همسو و هماهنگ نبودن با اهداف استعماری استکبار جهانی، از آغاز با چالش‌ها، مناقشات و برخوردهای چندگانه‌ای از سوی موافقان و مخالفان داخلی و خارجی مواجه شده است.

بنابراین، نظریه ولایت فقیه تنها برخاسته از تفکر امام خمینی و برخی فقهای معاصر نظیر ملا احمد نراقی و مانند آنان نیست، بلکه از متن اسلام و قرآن برخاسته و در اسلام و تشیع پیشینه دیرینه‌ای دارد، و نخستین بار توسط خود پیشوایان معصوم علیه السلام طرح و تبلیغ گردیده است. اما این که ولایت فقیه با این جایگاه و پیشینه تاریخی - اسلامی، چرا تا بیش از امام و کمی جلوتر از او ناشناخته مانده و جز در برخی کتاب‌های فقهی - کلامی طرح و ارائه نشده است. علل زیادی دارد که مهم‌ترین آن‌ها انزوای مذهب تشیع از ورود به صحنه سیاست جهانی و تشکیل یک حکومت الهی و اسلامی بوده است. در نتیجه، مبانی علمی و عقیدتی این نظام حیات بخش تنها در کتاب‌های استدلالی و درس‌های حوزوی - آن هم به طور اختصار - مطرح می‌شد که به تدریج از جایگاه اصلی و طبیعی خود (علم کلام و عقاید اسلامی) به حوزه فقه وارد شد، لیکن به سبب عدم امکان دست‌یابی به موارد مترقی آن یعنی اصول و قوانین حکومت، به ناچار در محدوده اموال غیب و قُصْر (مفقودان و نابالغان) و مواردی از این گونه باقی ماند، و به مرور زمان آن چنان از اذهان فاصله گرفت که هم‌اکنون نیز که بیست سال از تحقق عینی آن در ایران اسلامی می‌گذرد، هنوز صورت متعالی آن برای بعضی از افراد مبهم بوده، و پذیرش کامل آن، چنان که باید و شاید برای پاره‌ای از افکار سنگینی می‌کند، حتی برخی از افراد و شخصیت‌های بزرگواری که ولایت فقیه حق شرعی و طبیعی خود آنان نیز هست در اطلاق و یا برخی از جوانب آن تأمل دارند. این جا است که به عظمت افکار امام راحل قدس سره و عمق بینش و اندیشه ایشان پی می‌بریم، چون مسئله ولایت فقیه را از مسائلی دانست که تصور آن موجب تصدیقش می‌شود و اثبات آن نیازمند دلیل نیست.

ولایت فقیه نظریه‌ای در فقه شیعه است که نظام سیاسی مشروع در دوران غیبت امام معصوم را بیان می‌کند. نظام جمهوری اسلامی ایران بر اساس این نظریه تأسیس شده است.

ولایت محدود فقیه از جمله حق قضاوت، صدور فتوا در مسائل شرعی، اخذ وجوهات شرعی و رسیدگی به امور حسبیه از دیرباز در فقه امامیه مطرح و مورد بحث بوده و در ارتباط نزدیک با نهاد مرجعیت است. اما در نظریه ولایت سیاسی فقیه که بیش از همه توسط امام روح‌الله خمینی مطرح و تشریح شده، این ولایت اساس نظم سیاسی دوره غیبت را تشکیل می‌دهد و فقیهان جانشین امام در اجرای سیاست‌ها و مسائل حکومتی و سایر امور مربوط به امام معصوم (به جز جهاد ابتدایی) محسوب می‌شوند. در این عقیده، فقیه در فضیلت و شخصیت دینی و اخلاقی و علمی همپای امام معصوم نیست. چراکه ولی فقیه، جدا از شخصیت حقوقی خویش، دارای شخصیت حقیقی نیز هست که از این نظر با دیگر مردم برابر است. ویژگی‌های ولی فقیه و حاکم اسلامی همانند عدالت، تقوا و پرهیزگاری او را از لغزیدن به ورطه استبداد و خودرأیی باز می‌دارد.

دیدگاه‌های مختلف اقتصادی در مورد نقش سیاست پولی و اثر آن

در ارتباط با نقش و تأثیر سیاست پولی بر متغیرهای اقتصادی، دیدگاه‌های مختلف وجود دارد. این دیدگاه‌ها، در قالب نظریات کینزین‌ها، پولیون، کلاسیک‌ها، کینزین‌های جدید و کلاسیک‌های جدید قابل طبقه‌بندی است. براساس نظریات کلاسیک‌ها، سیاست پولی، تأثیری بر متغیرهای حقیقی نداشته و اجرای آن، تنها تغییرات قیمت را به دنبال خواهد داشت. به این ترتیب، اثری بر توزیع درآمد و رفاه نخواهد داشت.

در مقابل، کینزین‌ها معتقدند که به‌ازای قیمت‌های مشخص، افزایش حجم اسمی پول، موجب افزایش عرضه واقعی پولی می‌شود؛ در نتیجه، نرخ بهره‌ی تعادلی کاهش یافته و به دنبال آن، سرمایه‌گذاری و تولید نیز افزایش خواهد یافت. به این ترتیب، اشتغال و درآمد، تحت تأثیر قرار گرفته و این امر بر رفاه مؤثر خواهد بود.

موضع افراطی پولیون، بیانگر آن است که از میان سیاست‌های موجود، سیاست‌های پولی می‌تواند موجب تغییر در تقاضای کل شده و بدین ترتیب، تولید و قیمت را تحت تأثیر قرار دهد.

کلاسیک‌های جدید، با طرح انتظارات عقلایی و انعطاف‌پذیری دستمزدها، عنوان می‌کنند؛ که در صورتی که سیاست‌های پولی، قابل پیش‌بینی باشند، این سیاست‌ها خنثی هستند. اما در صورت غیر قابل پیش‌بینی بودن، سیاست پولی می‌تواند بر تولید و رفاه جامعه تأثیرگذار باشد.

کینزین‌های جدید به فقدان انعطاف‌پذیری کامل دستمزدها و قیمت‌ها در کوتاه‌مدت اعتقاد دارند و استدلال می‌کنند که سیاست پولی می‌تواند بر متغیرهای حقیقی اقتصاد از جمله تولید تأثیرگذار باشد، تحت ضابطه و کنترل درآید.

قبل از این که نقش نرخ بهره را در سیاست پولی تبیین نماییم لازم است که استدلال خود را مبنی بر این که چرا سیاست مالی نوعی سیاست پولی است بیان نماییم.

زمانی که سیاست مالی را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم، مهمترین موضوعی که نقش اصلی در این سیاست را ایفا می‌کند، کسری بودجه دولت و راه‌های برطرف کردن کسری بودجه می‌باشد. در نتیجه تمامی راه‌های کسری بودجه دولت چه به صورت

مستقیم چه به صورت غیر مستقیم بر روی حجم پول و متغیرهایی که در سیاست پولی نقش ایفا می کنند تاثیر گذار است. به این معنا که نهایتاً هم سیاست مالی به سیاست پولی ختم می شود.

استقلال بانک مرکزی

بررسی تاریخ اقتصاد نشان می دهد تا پیش از ایجاد نهادی به نام بانک مرکزی، دولت ها وظیفه انتشار پول را بر عهده داشتند. دولت ها با استفاده از امتیاز نشر پول هر زمان که با کاهش درآمد یا کمبود نقدینگی در خزانه رو به رو می شدند، با افزایش شدید حجم پول در گردش به تورم دامن می زدند. دولت ها که به دلیل تصدی قوه مجریه و تکفل هزینه های بودجه ای به خرج کردن منابع به میزانی بیش از درآمدها تمایل دارند، همواره بر بانکهای مرکزی برای اخذ وام فشار وارد می کنند و توجه زیادی به آثار تورمی ناشی از این امر ندارند. در واقع، به رغم اینکه بر اساس ملاحظات تجربی و نظری اقتصاد کلان، تنظیم سیاست های پولی، از جمله حجم نقدینگی باید متناسب با اهدافی مانند رشد اقتصادی و ثبات سطح عمومی قیمتها انجام شود، مشکلات مالی دولت ها بر این ملاحظات فایق آمده و در نتیجه کارکرد سیاست های پولی را با مخاطره جدی مواجه ساخته است. به همین دلیل تجربه تاریخی درباره روابط بین دولت و بانک مرکزی به شکل گیری نظریه استقلال در خصوص روابط بین دولت و بانک مرکزی منجر شده است (السینا و سامرز، ۱۹۹۳).

استقلال بانک مرکزی بدان معنا نیست که بانک مرکزی آزادی مطلق دارد و نباید به سیاست های دولت توجهی بکند، بلکه برعکس، بانک مرکزی باید با توجه به شرایط اقتصادی و مراحل توسعه ای که کشور در آن قرارداد سیاست های پولی موثری را به کار گیرد تا ضمن کنترل تورم باعث رکود و بیکاری نشود و در عین حال بتواند انگیزه و تحرک لازم در اقتصاد کشور به وجود آورد. بنابراین وجود یک نظام بانکی اسلامی کارآمد در جهت تحقق این هدف مهم الزامی است.

در مورد اندازه مطلوب دولت بین مکاتب و دیدگاههای مختلف اقتصادی اتفاق نظر وجود ندارد دولتها را از نظر مداخله اقتصادی می توان در طیف گسترده ای دانست که از دولت کلاسیک آغاز و به دولت برنامه ریز متمرکز ختم می شود. در میان این دو می توان به دولت قانونگذار، دولت رفاه، دولت سیاستگذار و دولت برنامه ریز بخشی اشاره کرد.

با این حال، بیشتر صاحب نظران، بر لزوم ایجاد زیرساخت های لازم توسط دولت که شامل نهادهای حافظ حقوق مالکیت، سیاست گذاری، الزام به اجرای تعهدات و نظام با ثبات مالی است، برای عملکرد بهتر بازار تاکید می کنند و ارائه خدمات اصلی با پایه ای مبتنی بر نهادهای فوق را که شامل تامین امنیت و سطحی از رفاه اجتماعی است، ضروری می دانند.

استقلال بانک مرکزی نقش بسیار مهمی در کارآمدسازی سیاست های اقتصادی به همراه داشته و می تواند دستیابی به ثبات قیمت ها و ثبات مالی را به میزان مناسبی بهبود بخشد.

مسئله استقلال بانک مرکزی، یکی از مباحث کلیدی در بانکداری مرکزی نوین است. به طوری که در حال حاضر، به ندرت می توان کشوری را یافت که در زمینه کنترل تورم و اجرای سیاست های پولی به موفقیت دست یافته باشد، اما از بانک مرکزی مستقل برخوردار نباشد.

هر چند ارائه تعریفی دقیق از استقلال بانک مرکزی امکان‌پذیر نیست، اما به نظر می‌رسد دو معیار کلیدی در اکثر تعاریف ذکر شده از مفهوم استقلال بانک مرکزی وجود دارد. اولین معیار، آزاد بودن بانک مرکزی در زمینه انتخاب ابزارها و شیوه‌های عملیاتی مناسب جهت دستیابی به اهداف تعیین شده است. به این معنی که قانون یا حاکمیت صرفاً یک هدف مشخص را برای بانک مرکزی تعیین کند (مانند ثبات قیمت‌ها) و سیاست‌گذار پولی در انتخاب مسیر دستیابی به هدف مذکور از آزادی عمل کافی برخوردار باشد.

دومین معیاری که در این رابطه می‌توان ذکر کرد، وجود یا عدم وجود امکان لغو تصمیمات کارشناسی بانک مرکزی توسط دولت (یا زیرمجموعه‌های دولت مانند خزانه‌داری یا وزارت اقتصاد) است. این معیار تأکید دارد که تصمیمات کارشناسی مقام ناظر پولی پس از اتخاذ، نباید توسط هیچیک از ارکان دولت امکان لغو یا تغییر داشته باشد.

اهمیت استقلال بانک مرکزی در سیاست‌گذاری از آن جهت است که این مسئله، مهمترین عامل در تضمین اقتدار، شهرت و کارآمدی تصمیمات مقام ناظر پولی است. شاید به همین دلیل است که معمولاً در قوانین مرجع پولی و بانکی اکثر کشورها، صراحتاً به مسئله استقلال بانک مرکزی اشاره می‌شود. زیرا قوانین بستر و زمینه حقوقی ایجاد استقلال در عمل را شکل می‌دهند.

بدون شک عدم استقلال یا پائین بودن درجه استقلال بانک مرکزی، در عمل هزینه‌های گوناگونی در سیاست‌گذاری پولی ایجاد خواهد کرد که مهمترین آن، ایجاد تورم‌های بالا در اقتصاد است. زیرا دولت‌ها معمولاً به دنبال اهداف کوتاه‌مدت (و بعضاً سیاسی) خود هستند و زمانی که بانک مرکزی از استقلال کافی برخوردار نباشد، دولت می‌تواند از قدرت خلق پول، در راستای اهداف کوتاه‌مدت خود استفاده کند؛ که البته مسلماً هزینه این امر ایجاد تورم‌های بالا در میان‌مدت خواهد بود. در این شرایط استفاده صحیح از سیاست‌های مالی کم‌رنگ می‌شود.

علیرغم اهمیت استقلال بانک مرکزی، متأسفانه قوانین فعلی پولی و بانکی به خوبی به این مسئله نپرداخته‌اند. به عنوان مثال، هر چند فصل چهارم قانون عملیات بانکی بدون ربا به موضوع «بانک مرکزی و سیاست پولی» اختصاص یافته، اما در این فصل اساساً اشاره‌ای به مسئله مهم استقلال بانک مرکزی نشده است. همچنین، در بخش‌های دیگر این قانون نیز می‌توان مواردی از رویکرد دولتی به نظام بانکی و بانک مرکزی را مشاهده کرد؛ که به طور عمده متأثر از فضای ملی شدن بانک‌ها در ابتدای انقلاب بوده است.

به عنوان نمونه، در فصل اول قانون، دومین هدف نظام بانکی بدین صورت ذکر شده است: «فعالیت در جهت تحقق اهداف، سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی دولت جمهوری اسلامی ایران با ابزارهای پولی و اعتباری». به دلیل آنکه نظام بانکی شامل بانک مرکزی نیز می‌شود، این هدف به آن معنا است که بانک مرکزی نیز باید با استفاده از ابزارهای پولی و اعتباری در اختیار، در جهت تحقیق برنامه‌های اقتصادی دولت حرکت کند؛ که این مسئله با مقوله استقلال بانک مرکزی به صورت جدی تعارض دارد.

لازم به ذکر است که بدون شک دستیابی به هر مدل یا الگویی از بانکداری و بانکداری مرکزی نوین، نیازمند استقلال بانک مرکزی است و بدون تحقق این مهم، نمی‌توان انتظار ایجاد ثبات قیمت‌ها و ثبات مالی در بلندمدت را داشت. بر این اساس، تقویت استقلال مقام پولی به شیوه‌های قانونی، ضرورتی غیرقابل انکار در کارآمدسازی سیاست‌های پولی و مالی محسوب می‌شود.

مطالعه اثر اندازه دولت روی عملکرد کلی اقتصاد و رشد مهم است و در این رابطه نظریات گوناگونی مطرح است. یک نقطه نظر این است که اندازه دولت بزرگتر برای کارایی تولید و رشد اقتصادی زیان آور است. زیرا اولاً عملکردهای دولت اغلب بصورت غیر کارآ اداره و اجرا می‌شوند، ثانیاً تعدیل سیستمهای مختلف دولتی روی اقتصاد کشور، بار و هزینه زیادی وارد می‌کند. ثالثاً بیشتر سیاستهای مالی و پولی دولت به سمت انحراف انگیزه‌های اقتصادی و پایین آوردن سطح کارایی تمایل دارند. در نقطه مقابل این دیدگاه، بعضی عقیده دارند که دولت نقش حساسی در مراحل توسعه اقتصادی دارد و استدلال می‌کنند که اندازه دولت بزرگتر، شبیه به موتور قوی یک سیستم توسعه اقتصادی است، زیرا اولاً رهبری دولت در هماهنگی تضادهای بین بخش خصوصی لازم است. ثانیاً ممانعت از استثمار کشور توسط بیگانگان از امور حیاتی است که بدون وجود دولت امکان‌پذیر نیست. ثالثاً محفوظ داشتن افزایش در سرمایه‌گذاری سودمند و فراهم کردن یک رهبری موثر اجتماعی برای رشد و توسعه، تنها بدست دولت میسر است. اندازه دولت در اقتصاد ایران بر حسب تعاریف گوناگون بسیار متفاوت است. دولت مرکزی، دولت عمومی و بخش عمومی، سه تعریف و اندازه متفاوت از نقش و جایگاه دولت در اقتصاد ایران به دست می‌دهند.

آخرین مرحله از این پژوهش بررسی رابطه استقلال بانک مرکزی و اندازه بهینه دولت خواهد بود که پل ارتباطی این پیوند داشتن یک نظام بانکی هدفمند در راستای اهداف اقتصادی بلند مدت می‌باشد یکی از ابزارهای مهم بانکی در اقتصاد خلق پول می‌باشد. فریدمن موقعیت بانک مرکزی را به هلیکوپتری تشبیه کرده که از داخلش می‌توان پول را بر سر جامعه ریخت. یعنی بانک مرکزی دارای قدرت ویژه در خلق پول است.

از سویی بانک‌ها هم فقط می‌توانند پایه پولی یا پولی که توسط بانک مرکزی خلق شده است را وام‌دهی کنند. اما در چند سال گذشته ماجرا تغییر کرده است. یعنی بانک‌ها به سوی خلق پول روی آورده‌اند؛ لذا کنترل نرخ ذخیره قانونی به عنوان یکی از وظایف مهم است که بانکی می‌باشد.

شاخص استقلال بانک مرکزی

منظور از استقلال بانک مرکزی استقلال در هدف گذاری است و بدین معنی است که بانک مرکزی در انتخاب اهداف سیاست پولی که می‌تواند با هدف گذاری کنترل تورم، کنترل حجم پول یا تثبیت نرخ ارز باشد، بدون دخالت دولت و با توجه به شرایط اقتصادی تصمیم‌گیری کند. راه‌های تحقق هدف بانک مرکزی استقلال در به کارگیری ابزارهای اقتصادی از جمله ابزارهای نرخ بهره و سیاست ارزی است. به طوریکه استقلال بانک مرکزی عبارت است از واگذاری مسئولیت بخش پولی و بانکی اقتصاد کشور به بانک مرکزی و داشتن اختیار جهت دستیابی به اهداف معین پولی و به طور خاص تعیین حجم خلق پول جدید به منظور کنترل نرخ تورم.

شاخص‌های ارزیابی استقلال بانک مرکزی:

(۱) مدت دوره ریاست رئیس بانک مرکزی و نحوه عزل و نصب او؛

(۲) اهداف تعیین شده برای بانک مرکزی؛

۳) نحوه حل اختلاف دولت و بانک مرکزی در بودجه ریزی؛

۴) اختیار بانک مرکزی در محدود کردن استقراض از این نهاد؛

استقلال بانک مرکزی در ایران

شاخصه ای به نام استقلال بانک مرکزی در چارچوب قوانین موجود در ایران امکان پذیر نیست. استقلال یا عدم آن تنها در چارچوب ارتباطات شخصی بین رئیس کل بانک مرکزی و شخص رئیس جمهور قابل تعریف است و در دوره هایی که شخصیت رئیس کل بانک مرکزی اجازه داد شاهد افزایش میزان استقلال بانک مرکزی و تفکیک سیاستهای پولی و مالی هستیم ولی در دیگر زمان ها رئیس جمهور به عنوان امضاء کننده حکم ریاست بانک مرکزی در عمل هدایت کننده سیاست های پولی کشور محسوب می شود.

شاخص استقلال کوکرمین: در این شاخص، بانک مرکزی در دو مولفه قانونی و واقعی بررسی می شود استقلال بانک مرکزی از منظر قانونی به آزادی، انعطاف پذیری و اختیار عملی اطلاق میشود که قانون برای بانک مرکزی قائل شده است. این شاخص، خود به چهار جزء اصلی تقسیم میشود: ۱) عزل و نصف و دوره تصدی رئیس بانک مرکزی، ۲) تدوین سیاستهای پولی، ۳) اهداف، ۴) محدودیتهای اعطای وام به دولت. این چهار جزس بر اساس ۱۶ متغیر مختلف قانونی ساخته شده اند که هر متغیر بین صفر (کمترین درجه استقلال) و یک (بیشترین درجه استقلال) رتبه بندی می شود. در نهایت میانگین این ۱۶ متغیر به عنوان شاخص مولفه قانونی محاسبه میشود.

شاخص کوکرمین

امتیاز	حالات مختلف	شاخص	
انتصاب هیأت رئیسه بانک			
۱	توسط هیأت مدیره بانک	چه کسی رئیس کل را منصوب می کند؟	
۰/۷۵	شورایی متشکل از قوه مقننه، مجریه و قضائیه به همراه هیأت مدیره		
۰/۵	قوه مقننه		
۰/۲۵	هیأت دولت		
۰	وزیر اقتصاد	مدت زمان تصدی رئیس کل	
۱	بالای ۸ سال		
۰/۷۵	بین ۶ تا ۸ سال		
۰/۵	۵		
۰/۲۵	۴		
۰	زیر ۴ سال	شرایط برکناری رئیس کل	
۱	تنها بدلیل ناتوانی یا عملکرد غیرقانونی		
۰/۷۵	بسته به تشخیص هیئت مدیره ی بانک		
۰/۵	توسط مجلس به دلایل سیاسی		
۰/۲۵	توسط دولت به دلایل سیاسی		
۰	توسط وزیر اقتصاد به دلایل سیاسی	امکان داشتن موسسه ای برای رئیس بانک مرکزی در دولت	
۱	ممنوعیت از داشتن موسسه در دولت		
۰/۵	ممنوعیت مگر در صورتی که مالکیت با دولت باشد		
۰	بدون ممنوعیت	فرمول بندی سیاست ها	
۱	بانک مرکزی به تنهایی		چه کسی سیاست پولی را تنظیم می کند؟
۰/۶۶	بانک مرکزی و دولت مشترکاً		
۰/۳۳	بانک مرکزی نقش مشاور را دارد		
۰	دولت به تنهایی سیاست ها را تنظیم می کند		
۱	تصمیم نهایی با بانک مرکزی		دستورات دولتی و اقدامات مداخله جویانه
۰/۶	تصمیم نهایی با شورایی مرکب از بانک مرکزی قوه مقننه و قوه مجریه		
۰/۴	قوه مقننه		

۰/۲	قوه مجریه با لحاظ نظر بانک مرکزی	
۰	دولت قدرت بلاشرط	
۱	بانک نقش فعال دارد	نقش بانک مرکزی در تعیین سیاست
۰	بانک نقش فعالی ندارد	های بودجه دولت
اهداف بانک مرکزی		
۱	ثبات قیمت ها تنها هدف یا هدف با اولویت اول	اهداف بانک مرکزی
۰/۶	ثبات قیمت ها با اهدافی که با آن تعارض ندارند	
۰/۴	ثبات قیمت ها با اهدافی که با آن تعارض دارند	
۰/۲	بدون هدف	
۰	حاوی اهدافی به غیر از ثبات قیمت ها	
محدودیت های استقراض دولت		
۱	ممنوع بودن استقراض	محدودیت های استقراض دولت
۰/۶۶	مجاز بودن اما با محدودیت های زیاد	
۰/۳۳	مجاز بودن با محدودیت های کم	
۰	بدون محدودیت	

نقش ولایت فقیه در استقلال بانک مرکزی

استقلال بانک مرکزی نقش بسیار مهمی در کارآمدسازی سیاست های اقتصادی به همراه داشته و می تواند دستیابی به ثبات قیمت ها و ثبات مالی را به میزان مناسبی بهبود بخشد.

مسئله استقلال بانک مرکزی، یکی از مباحث کلیدی در بانکداری مرکزی نوین است. به طوری که در حال حاضر، به ندرت می توان کشوری را یافت که در زمینه کنترل تورم و اجرای سیاست های پولی به موفقیت دست یافته باشد، اما از بانک مرکزی مستقل برخوردار نباشد.

اهمیت استقلال بانک مرکزی در سیاست گذاری از آن جهت است که این مسئله، مهمترین عامل در تضمین اقتدار، شهرت و کارآمدی تصمیمات مقام ناظر پولی است. شاید به همین دلیل است که معمولاً در قوانین مرجع پولی و بانکی اکثر کشورها، صراحتاً به مسئله استقلال بانک مرکزی اشاره می شود. زیرا قوانین بستر و زمینه حقوقی ایجاد استقلال در عمل را شکل می دهند.

بدون شک عدم استقلال یا پائین بودن درجه استقلال بانک مرکزی، در عمل هزینه های گوناگونی در سیاست گذاری پولی ایجاد خواهد کرد که مهمترین آن، ایجاد تورم های بالا در اقتصاد است. زیرا دولت ها معمولاً به دنبال اهداف کوتاه مدت (و بعضاً سیاسی) خود هستند و زمانی که بانک مرکزی از استقلال کافی برخوردار نباشد، دولت می تواند از قدرت خلق پول، در راستای اهداف کوتاه مدت

خود استفاده کند؛ که البته مسلماً هزینه این امر ایجاد تورم‌های بالا در میان‌مدت خواهد بود. در این شرایط استفاده صحیح از سیاست‌های مالی کم‌رنگ می‌شود.

با توجه به جهان بینی خاصی که در کشور ما وجود دراد و نیز نظام اقتصادی اسلام که در حکومت اسلامی معنا پیدا می‌کند لازم است ساز و کار استقلال بانک مرکزی بنا به دلایل زیر متناسب با این جهان بینی تامین گردد:

۱- انتخاب و مدت دوره ریاست بانک مرکزی می‌بایست مستقل از دولت باشد زیرا در کشور ما که بانک مرکزی کاملاً تحت تأثیر سیاست‌ها و اهداف دولت است استقلال بانک مرکزی معنا ندارد.

۲- با توجه به روند افزایشی مطالبات بانکی از بخش دولتی و غیر دولتی شبکه بانکی کشور می‌تواند با افزایش نرخ ذخیره قانونی از گسترش اعتبار بانکی و خلق پول جلوگیری نماید که این امر سیاست‌های مالی و پولی دولت را در راستای تحقق اندازه بهینه دولت بهبود خواهد بخشید.

۳- در فرایند افزایش استقلال بانک مرکزی در ایران لازم است تدابیر مناسبی در مورد نحوه پاسخگویی بانک مرکزی به نهاد بالا اندیشید به عبارت دیگر نهاد مستقل بانک مرکزی در صورتی شانس بقا دارد که جایگاه آن در مقام پاسخگویی به صورتی سازگار با قانون اساسی و عرف سیاسی در ساختار سیاسی کشور تعریف شود.

۴- با توجه به اهمیت بانک مرکزی که بالاترین نهاد پولی کشور می‌باشد و مهمترین وظیفه‌ی آن حفظ ارزش پول ملی کشور می‌باشد می‌بایست در راس این نهاد شخصیتی قرار بگیرد که منافع جامعه را در نظر بگیرد و نه منافع بانکداران.

نتیجه گیری

امروز جایگاه گمشده اقتصاد بومی با شدت یافتن مشکلات و بحران‌های اقتصادی بیش از پیش دیده می‌شود. عده‌ای از اقتصاددانان، مباحث اقتصاد سرمایه داری را پذیرفته‌اند اما همیشه از خود می‌پرسند: چرا این مباحث و علم ما در حل مشکلات موفق نیست؟ پاسخ بسیار ساده است، چون علم اقتصادی که در غرب پایه ریزی شده است بر اساس شرایط و سازوکار کشورهای غربی است و به طور کلی این علم برای غرب است و برای کشور ما این علم حاصلی نخواهد داشت. با ذکر یک مثال به بررسی بیشتر این موضوع می‌پردازیم، دو فرد را فرض کنید که با یک مریضی یکسان به یک پزشک مراجعه می‌کنند، با اینکه دو فرد در مریضی و پزشک یکسان هستند اما ممکن است نسخه تجویز شده برای آن‌ها به دلیل تفاوت‌های جسمی و روحی مثل قد و وزن و... متفاوت باشد. حتی در صورتی که شرایط جسمی و روحی یکسانی داشته باشند، ممکن است به دلیل حساسیت یکی از آن‌ها به دارویی خاص نسخه آن‌ها متفاوت باشد. همانطور که پزشک برای دو بیمار با بیماری مشابه به دلیل تفاوت‌های جسمی، روحی و حساسیت‌ها نسخه یکسانی نمی‌نویسد، برای بیماری‌های اقتصادی نیز نمی‌توان نسخه‌ای یکسان برای تمامی کشورها نوشت چراکه هر کشور شرایط و حساسیت‌های خاص خود را دارد. در هنگام مقایسه ایران با کشورهای توسعه یافته شرق آسیا اولین نکته‌ای که فوراً در ذهن متبادر می‌شود وجود تحریم‌های یکجانبه و ناجوانمردانه‌ای است که از ابتدای انقلاب اسلامی بر ایران تحمیل شده است در حالیکه کشورهای توسعه یافته شرق آسیا از این قضیه جدا بوده‌اند.

همچنین علاوه بر تحریم‌ها جنگ تحمیلی عراق علیه ایران بر اقتصاد کشورمان تأثیر زیادی داشته است. از طرفی اقتصاد کشوری که دارای جهان‌بینی خاصی است و این جهان‌بینی با منافع ابرقدرت‌های روز دنیا در تضاد است، اقتصاد خاصی خواهد بود، چرا که دشمنی با چنین کشوری پایدار بوده و در هر دوره‌ای به شکلی بروز می‌یابد. از این رو باید همه راهبردها و سیاست‌های کشورمان به گونه‌ای طراحی شود که از کیان آن در برابر تهدیدها حفاظت کند و مسیر رسیدن به اهداف کشور را هموار سازد. در نتیجه کشور ما به دو دلیل باید اقتصاد بومی با مبانی اسلامی داشته باشد:

۱- تفاوت شرایط کشور ما با کشورهای غربی؛

۲- حساسیت کشور ما به نسخه‌ی غربی به دلیل جهان‌بینی خاص و پایبندی به مبانی اسلام.

منابع

- بخشی دستجردی، رسول، دلالی اصفهانی، رحیم (۱۳۹۰)، آسیب‌شناسی نظریه بهره و نظام بانک داری متعارف، انتشارات دانشگاه یزد.
- صالحی آسفیجی نورالله، محمد باقر شیر مهنجی، تحلیل و آسیب‌شناسی نظام اقتصاد بدهی با تأکید بر برده داری و جاهلیت مدرن: ارائه الگوی اقتصاد مقاومتی نور علم، ۱۳۹۶
- صالحی آسفیجی، نورالله، دلالی اصفهانی، رحیم، واعظ برزانی، محمد، میرعسکری، سیدرضا، بررسی تعادل و پایداری یک مدل کلان اقتصادی بدون بهره در مقایسه با مدل کلاسیک سارجنت (۱۳۸۹).
- مجاهدی مؤخر، محمد مهدی؛ رحیم دلالی اصفهانی؛ سعید صمدی و رسول بخشی دستجردی (۱۳۹۰)، «مدل‌سازی رفتار بین نسلی از عملکرد بانکداری ذخیره جزئی با تأکید بر رهیافت مورئیس آله»، فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی، شماره ۵، ص ۴۷-۷۴.
- داوود فیرحی. نظام سیاسی و دولت در اسلام، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، بهار ۱۳۸۲
- محمد تقی مصباح یزدی. «حکومت اسلامی و ولایت فقیه»، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۹